

مختلف به‌عنوان یک روزنامه موثر و حرفه‌ای ظاهر شده است. او همچنین ادامه داد: «عملکرد این روزنامه، هم می‌تواند با پیش‌دآوری‌های به‌اصطلاح سیاسی و جناحی ارزیابی شود، هم می‌تواند در دایره معیارهای حرفه‌ای تحلیل شود. اما آنچه اهمیت دارد این است که تحریریه هم‌میهن با وجود همه فشارها و محدودیت‌ها سعی کرده تا حرفه‌ای عمل کند. این سختی شامل حال مدیریت روزنامه تا تک‌تک خبرنگارها و تحلیلگرهای آن می‌شود. به افت قابل توجه تیراژ روزنامه‌ها و نشریه‌ها در کشور نگاه کنید؛ روزنامه باید در این شرایط بتواند با زبان تحلیل، نقد و گزارش، مخاطب فعال جذب کند تا ادامه حیات و اثرگذاری داشته باشد. در غیر این صورت و بدون حضور نگاه تحلیلی و انتقادی در روزنامه، این رسانه در چیرگی شبکه‌های مجازی که زودتر خبرها در آن‌ها منتشر می‌شوند، قرار می‌گیرد.»
خانیکی با تأکید بر اینکه روزنامه هم‌میهن باید از سوی نهادهای رسمی، حاکمیتی، قضایی مورد حمایت قرار بگیرد، گفت: «در شرایطی که رسانه‌ها و جریان‌های تندرو براساس نگاه سیاسی و جناحی به‌دنبال نقطه‌ضعف هستند، اما اقصا آن نقطه‌ضعف‌ها در رسانه‌ها و نشریات نزدیک به آن‌ها دیده می‌شود، حمایت و تقدیر از روزنامه هم‌میهن اهمیت بیشتری دارد. ازطرف دیگر، خبرنگار که به‌عنوان یک کنشگر درون رسانه با تهدیدهای شغلی، نبود امنیت شغلی، ناپایداری و عدم ثبات معیشتی و اقتصادی درگیر است، تنها عشق و علاقه اوست که محرک فعالیت‌اش در این حرفه است. در این وضعیت، نباید اجازه بدهیم تا روزنامه‌ای که می‌خواهد غیرکلیشه‌ای با مسائل مطرح در جامعه بر‌خورد کند، با دیدگاه‌های تند و محدودکننده تحت فشار قرار بگیرد. به این علت که اگر رسانه‌های تندرو میدان فعالیت بیشتری پیدا کنند، در نظام ارتباطی سنگ روی سنگ بند نخواهد شد و مرجعیت رسانه‌ای از رسانه‌های داخلی، شناسنامه‌دار و شناخته‌شده خارج می‌شود و به رسانه‌های خارج از کشور و برانداز یا رسانه‌هایی که تنها نماینده یک دیدگاه تند و بر‌خوردار از پشتیبان‌های حاکمیتی هستند، سپرده خواهد شد.»
از نظر این استاد ارتباطات، ضرورت تداوم فعالیت روزنامه هم‌میهن در رفع هر چه زودتر نگرانی‌ها و تهدیدهایی است که تحت‌تأثیر جوسازی و بر‌خوردهای کلیشه‌ای شکل گرفته است.

▼ قانون؛ معتبرترین سازوکار برای حل اختلاف

باتوجه به اینکه بر‌خوردهای اخیر با روزنامه هم‌میهن و تحریریه آن ایرادات حقوقی و قانونی دارد، هادی خانیکی در بخش دیگری از صحبت‌های خود درباره اهمیت رفع اختلاف‌های مطبوعاتی مبتنی بر روال‌های قانونی صحبت کرد. از نظر او، باید سازوکارهای فعالیت رسانه‌های متفاوت و متکثر فراهم شود. همچنین این استاد ارتباطات معتقد است که باید برای فهم بهتر مسئله فعالیت رسانه‌های مستقل در کشور به وضعیت جامعه هم توجه شود. خانیکی دراین‌خصوص توضیح داد: «جامعه امروز ما، چه جامعه سیاسی و چه کلیت جامعه، متکثر و متنوع است. این تصور که ما در یک جامعه یک‌دست زندگی می‌کنیم، کاملاً اشتباه است. زمانی که در یک جامعه تکثر، تنوع، نارضایتی و انتقاد وجود دارد، اولین ضرورت این است که سازوکارهای حل اختلاف را پیدا کرد. با توجه به اینکه در این گفت‌وگو درباره فعالیت رسانه‌ها صحبت می‌شود، باید این را بدانیم که قرار نیست و امکان‌پذیر هم نیست تا همه رسانه‌ها یا روزنامه‌ها یک‌جور حرف بزنند، تیت بزنند و گزارش بنویسند. زمانی که دراین‌خصوص اختلافی شکل می‌گیرد، معتبرترین سازوکار برای حل اختلاف قانون است. البته قانون، هم باید بتواند پاسخگوی تنوع و تکثر، هم در جامعه و در فضای رسانه‌ای کشور باشد. قانون مطبوعات باید مانع از پیش‌فرض‌های مبتنی بر سوءظن و قطبی‌سازی شود. در اینجا به شفافیت و صراحت در قانون نیاز داریم تا درواقع قانون، سوءظن‌ها و سوءتفاهم‌ها را از بین ببرد.»
او همچنین مطرح کرد: «در غیر این‌صورت، در شرایطی که روایت‌های مبتنی بر سوءظن و وضعیت قطبی‌شده بر تولیدات رسانه‌ای حاکم باشد، هر توضیح، هر داده یا هر مسئله‌ای که توسط خود رسانه‌ها مطرح شود، روایت یا ذهنیت مثبت نسبت به یک رسانه مستقل و موضع‌گیری‌های صریح به‌موضع‌گیری‌ها یا اقدامات پنهان تغییر می‌کند. به‌عبارت دیگر، مسائل دیگر و حواشی در کار حرفه‌ای روزنامه دخالت خواهند کرد.»
خانیکی معتقد است که فعالیت حرفه‌ای روزنامه باید ملاًک ارزیابی قرار بگیرد، نه چهره‌های سیاسی که با رسانه در حال همکاری هستند. این نگاه موجب عدول از سازوکار قانونی حل اختلاف خواهد شد. این در حالی است که باید تنوع، نقد و بررسی مسائل حائز اهمیت در نگاه جامعه به‌رسمیت شناخته شود. در غیر این صورت هربار با به‌رسمیت نشناختن کار حرفه‌ای و تفسیرهای جانبدارانه از قانون، روزنامه‌نگاری به یک حرفه ساکن و راكد تقلیل می‌یابد که مورد استقبال جامعه هم نخواهد بود.

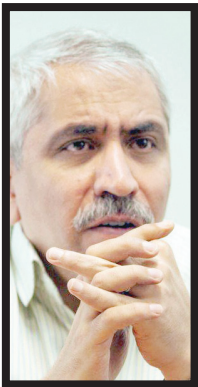
▼ آگاهی و شفافیت را توقیف نکنید!

علاوه بر هادی خانیکی، دیگر اساتید برجسته روزنامه‌نگاری ازجمله علی‌اکبر قاضی‌زاده، حسن نمکدوست و محمد مهدی فرقانی نیز معتقدند که روزنامه هم‌میهن مبتنی بر اصول حرفه‌ای روزنامه‌نگاری عمل کرده است. آن‌ها همچنین درباره اهمیت آگاهی‌بخشی به افشار جامعه، انمام دوران توقیف و اتهام‌زنی به رسانه‌ها و تنوع و تکثر در ریافت‌ها از تولیدات رسانه‌ای به‌ویژه عکس و تصویر صحبت کردند.

علی‌اکبر قاضی‌زاده، پژوهشگر حوزه رسانه و ارتباطات و روزنامه‌نگار پیشکسوت در گفت‌وگو با هم‌میهن، ضمن ابراز خرسندی از عملکرد حرفه‌ای روزنامه هم‌میهن و الهه محمدی، انتقادات خود را نسبت به تداوم عدم تمایل دستگاه‌ها و نهادهای



علی‌اکبر قاضی‌زاده:
اگر روزنامه‌نگاری در سایر کشورها به ابعاد پنهان پرورنده یک بازیگر می‌پردازت، به احتمال زیاد از آن تقدیر می‌شد، اما در کشور ما به گونه‌ای با خبرنگاران برخورد می‌شود که سایر خبرنگاران جرأت نکنند تا در جهت آگاهی‌بخشی جامعه عمل کنند. این در حالی است که روزنامه‌نگاران تنها قشری از جامعه هستند که توان و قابلیت آگاهی‌بخشی به جامعه را دارند. باین‌حال هربار که یک رسانه و خبرنگارش درپچه‌ای به آگاهی‌باز می‌کند، با تهدید، فشار و محدودیت مواجه می‌شود. در شرایطی که روزنامه‌نگارها با وجود همه مشکلات مالی و فشارهای روانی سعی می‌کنند تا در جهت آگاهی‌بخشی فعالیت کنند، وضعیت فعلی بر‌خورد با مطبوعات مایه تأسف است.»
این روزنامه‌نگار باسابقه و پیشکسوت در ادامه صحبت‌های خود با اشاره به دوران جنگ ۱۲ روزه که در آن زمان خیلی بهتر و بیشتر از قبل با حمایت و همدردی با یکدیگر مواجه بودیم، مطرح کرد: «در همان شرایط روزنامه‌نگارهای داخلی بودند تا نسبت به فجایع جنگ تحمیلی رژیم صهیونیستی به کشورمان اطلاع‌رسانی کنند، اما حالا دوباره فضای شفاف‌سازی و آگاهی‌بخشی محدود شده است.»
قاضی‌زاده که سابقه ۴۰ سال فعالیت مطبوعاتی دارد، معتقد است که آگاهی‌رسانی و شفاف‌سازی فضای جامعه به‌نفع جریان‌های تندرو هم خواهد بود، اما این گروه همواره سعی می‌کنند تا مردم در نا آگاهی بهسر بپرند.



حسن نمکدوست:

دوره اینکه گفته شود، سایت روز نامه مسدود شد، اما چاپ روزنامه موردی ندارد؛ یا اینکه در صفحه‌های شبکه‌اجتماعی مطلبی باز نشر نکنید تا در ادامه معلوم شود که چه خواهد شد، گذشته است. زمانی که یک رسانه به هر دلیلی تعطیل شود، بازگشت آن به نقطه قبل بسیار سخت و دشوار خواهد بود



محمد مهدی فرقانی:
یک رسانه یا روزنامه نمی‌تواند پاسخگوی همه نظرات متفاوتی که حول‌وحوش یک گزارش یا تصویر اظهار می‌شود، باشد. ممکن است هر گزارش و تصویر منتشر شده در رسانه با بازخوردهای متفاوتی مواجه شود، اما این موضوع الزاماً به‌معنای وقوع جرم نیست که مستلزم برخورد هم باشد

انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران، شب گذشته با انتشار بیانیه‌ای به برخورد های اخیر با رسانه‌ها واکنش نشان داد. متن بیانیه بدین شرح است:

بر خوردهای گزارش شده با روزنامه‌نگاران و رسانه‌ها در هفته‌های اخیر نگران‌کننده به نظر می‌رسد. مسدود کردن سایت‌ها و کانال‌های رسمی رسانه‌های رسمی همچون انتخاب، رکتا، آسیا، دیدار نیوز و به تازگی سایت هم‌میهن از جمله اقداماتی است که به تحدید آزادی‌های قانونی شهروندان و نهاد رسانه دامن زده است. رسانه‌های مستقل بارها نشان داده‌اند که در شرایطبحران تا چه‌حد بهتر از رسانه‌های وابسته عمل می‌کنند که اغلب با سازوکارها و نیروی انسانی و هزینه‌های چندین برابر مشغول فعالیت‌اند، ولی در برخورد های نامعمول و خارج از چارچوب، اغلب رسانه‌های مستقل هستند که بیشترین آسیب را می‌بینند. انجمن صنفی روزنامه‌نگاران توقیف و

برخوردهای حذفی را متوقف کنید

واکنش انجمن صنفی روزنامه‌نگاران به برخوردهای اخیر با رسانه‌ها

تحدید رسانه‌های مستقل به دلیل فشارهای گوناگون و به شیوه‌های غیرقانونی و خارج از روبه‌های متعارف را محکوم می‌کند و از دولت و به‌ویژه آن بخش از آن که عهد‌دار ارتباط با رسانه‌هاست می‌خواهد که بر مواضع قانونی و دفاع از انتشار رسانه‌های مستقل بایستد؛ چیزی که متأسفانه اثر نامیانی از آن رفتار دولت به چشم نمی‌خورد. دولت، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، هیئت نظارت بر مطبوعات و نیز قوه قضاییه نباید تحت تأثیر اختلاف‌های جناحی گروه‌های سیاسی بر سر قدرت، از مژ قانون عدول کنند و بدون طی مراحل قانونی حقوق افراد و رسانه‌ها را سلب نمایند. انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران امیدوار است حقوق رسانه‌های مستقل داخلی، به عنوان صدای مردم، بیش از همیشه به‌رسمیت شناخته‌شود تا عرصه‌ای برای شماری از نهادها و گروه‌هایی که به رفتارهای فراقانونی عادت کرده‌اند فراهم‌شود.

بازگشت آن به نقطه قبل بسیار سخت و دشوار خواهد بود و هم ناشر و تحریریه، هم مخاطب و جامعه در یک فضای ابهام و تعلیق قرار می‌گیرند. این برخوردهای غیرشفاف و مخرب راه‌حل مناسبی نیست. لازم است تا هم رسانه‌ها در یک فضای شفاف فعالیت کنند، هم مواجهه دستگاه‌ها با آن‌ها روند شفاف‌ی داشته باشند.»
از نظر این روزنامه‌نگار باسابقه، توقیف رسانه‌های جریان اصلی، هیچ گروه‌ای از گره‌های ارتباطی حاکمیت باز نمی‌کند و تنها نتیجه آن، تضعیف بیشتر رسانه‌های جریان اصلی در کشور است که به‌نوعی می‌توانند اکوسیستم حرفه‌ای را با همه افت‌وخیزها و حداقل امکانات تا حدودی نمایندگی بکنند. ازسوی دیگر، اقدامات اخیر در قبال روزنامه هم‌میهن به موقعیت رسانه‌های داخلی به‌خصوص رسانه‌هایی که در یک سطحی از استقلال از حاکمیت فعالیت می‌کنند، آسیب می‌زند.

▼ توقیف نباید اولین واکنش باشد

محمد مهدی فرقانی، استاد ارتباطات و روزنامه‌نگار پیشکسوت هم در گفت‌وگو با هم‌میهن با اشاره به تشدید محدودیت‌های روزنامه‌نگارها برای انجام فعالیت حرفه‌ای مطرح کرد: «این روزها، روزنامه‌نگاران برای انجام فعالیت حرفه‌ای با تنگناهای زیادی مواجه هستند. حتی این وضعیت برای فعالیت‌های عادی و روزمره آن‌ها که مسائل پیچیده و حساسی هم نیستند، ایجاد شده است. درخصوص پرونده آقای بازیگر هم، خبرنگار روزنامه هم‌میهن در راستای وظیفه روشنگری خود، سعی کرده است تا یک گزارش متوازن و متعادل بنویسد؛ به‌نحوی که صرفاً روایتگر یک‌طرفه ماجرا نباشد و به مردم اطلاعاتی بدهد که بتوانند قضاوت منطقی داشته باشند. بنابراین این جزو وظایف حرفه‌ای و روزمره مطبوعات و روزنامه‌نگاران است که درخصوص مسائل دارای ابهام و سوال در جامعه روشنگری کند.»
به گفته این استاد ارتباطات و روزنامه‌نگاری، زمانی که از یک‌طرف ماجرا اخبار و اطلاعات منتشر می‌شود، طبیعی است که طرف‌های دیگر هم حق اظهارنظر داشته باشند تا تعادل و توازن در بازتاب صداها ایجاد شود. بنابراین از آنجا که معلوم نیست بر‌خورد دستگاه‌ها با روزنامه هم‌میهن مبتنی بر کدام ماده قانونی بوده، به نظر نمی‌رسد که جرمی در انتشار گزارش مربوطه رخ داده باشد. فرقانی در ادامه صحبت‌های خود درباره حواشی یک‌عده از عکس یک گزارش، توضیح داد: «هر چند رسانه وظیفه دارد تا به حساسیت‌های موجود در جامعه توجه کند، اما یک رسانه یا روزنامه نمی‌تواند پاسخگوی همه نظرات متفاوتی که حول‌وحوش یک گزارش یا تصویر اظهار می‌شود، باشد. ممکن است هر گزارش و تصویر منتشرشده در رسانه با بازخوردهای متفاوتی مواجه شود، اما این موضوع الزاماً به‌معنای وقوع جرم نیست که مستلزم برخورد هم باشد.»
از نظر او، تشدید فشارها بر روزنامه هم‌میهن به‌ضرر آزادی‌بیان، اطلاع‌رسانی و حق دسترسی عمومی به اطلاعات خواهد بود. همچنین به اعتقاد این استاد ارتباطات، توقیف یک روزنامه یا رسانه به‌این‌بهانه و راحتی باشد. بلکه تنها در صورت محرزشدن جرم مطابق قوانین باید با رسانه بر‌خورد شودو توقیف هم باید پس از هشدار و تذکر آخرین سطح بر‌خورد باشد. فرقانی در ادامه به قانون مطبوعات و هیئت‌منصفه اشاره کرد و گفت: «اگر چه روح قانون مطبوعات بیشتر در جهت محدودکردن حقوق و آزادی‌های روزنامه‌نگاران است، اما درخصوص حل مسئله هم‌میهن هم لازم است تا بر مبنای قانون مطبوعات و هیئت‌منصفه عمل شود. در نتیجه از آنجا که وظیفه هیئت‌منصفه مطبوعات، رسیدگی به مسائل رسانه‌هاست و این فرآیند باید مسیر قانونی را طی کند، تنها درصورتی که جرم رسانه با ذکر دلایل مستند ذکر شود، می‌توان با حکم دادگاه نسبت به توقیف رسانه اقدام کرد. به‌ر حال مطبوعات و روزنامه‌نگاران باید مطمئن باشند که حداقل در چارچوب قوانین موجود و نه خارج از آن با آن‌ها بر‌خورد خواهد شد.»
در مجموع با وجود پرونده‌سازی و حمله برخی گروه‌های تندرو نسبت به عملکرد روزنامه هم‌میهن در پرداختن به پرونده پژمان جمشیدی، کارشناسان و اساتید برجسته حرفه روزنامه‌نگاری معتقدند که این روزنامه کاملاً بر مبنای اصول حرفه‌ای عمل کرده و لازم است تا مواجهه با آن بر مبنای قانون، شفافیت و صراحت باشد.

نقد فرهنگی

کاسی بارویا بازار سیاه آموزش بازیگری



محسن سلیمانی‌فاخر
 منتقد و نویسنده

بازار آموزش بازیگری در سال‌های اخیر به صحنه‌ای از فریب، سوداگری و سوءاستفاده از شوروشوق جوانان بدل شده است. آموزشگاه‌هایی که در ظاهر عنوان فرهنگی بر پیشانی دارند، در عمل به بنگاه‌های معاملاتی تبدیل شده‌اند؛ بنگاه‌هایی که نه تربیت هنرمند، بلکه فروش رویا را هدف گرفته‌اند.

بازیگری از دیرباز در ایران شوقی بوده برای بیان، خلاقیت و حضور در جهان خیال. اما امروز، این میل طبیعی و شور جوانانه، در چرخه‌ای کاسبیکارانه اسیر شده است. آموزشگاه‌های فراوانی هرروز تبلیغ می‌کنند که در کلاس‌هایشان فلان بازیگر مشهور یا کارگردان مطرح حضور دارد، کارت طلایی اهدا می‌شود، مسیر ورود به سینما کوتاه و ساده است. اما پشت این وعده‌ها، واقعیتی تلخ پنهان است؛ کلاسی که پس از دریافت مبالغ چندده میلیون تومانی، با چند جلسه سطحی و بی‌کیفیت پایان می‌یابد و هنر جویی که با رویای ورود به سینما آمد، با یأس و سرخوردگی بازمی‌گردد. درواقع ما با نوعی کالایی‌شدن رویا روبه‌رو هستیم؛ رویای دیده‌شدن، شهرت و محبوبیت. آموزشگاه‌ها با ظاهری فرهنگی اما با منطق بازاری، از این میل انسانی بهره‌برداری می‌کنند. در این‌میان مسئولیت‌گریزی نهادهای نظارتی فاجعه‌بار است. هیچ نظام ارزیابی یا مجوزدهی کیفی‌ای جدی وجود ندارد. نه استانداردی برای سرفصل‌های آموزشی تعریف شده، نه صلاحیت علمی و تجربی مدرسان سنجیده می‌شود. بسیاری از این کلاس‌ها با اتکا به نام چند چهره شناخته‌شده، بدون کمترین محتوا یا انسجام آموزشی برگزار می‌شود.

از منظر جامعه‌شناختی، آنچه در این وضعیت رخ می‌دهد، مصداق استثمار فرهنگی است. استثمار در جایی که پول از جیب جوانان و خانواده‌ها بیرون می‌آید، اما دانشی به آنان منتقل نمی‌شود. درحقیقت آنچه فروخته می‌شود، نه آموزش، بلکه توهم آموزش است. هنر جو در پایان دوره، جز چند عکس یادگاری، چند اصطلاح سطحی و یک حس تحقیر و شکست، چیزی در دست ندارد. در لایه‌ای عمیق‌تر، می‌توان گفت این وضعیت از ضعف عمومی در «آگاهی فرهنگی» ناشی می‌شود. جامعه‌ای که در آن مسیرهای حرفه‌ای شفاف نیست و ورود به سینما یا تئاتر براساس استعداد و مهارت سنجیده نمی‌شود، طبیعی است که فریب وعده‌های دروغین را بخورد. جوانی که هیچ ساختار حمایتی ندارد، در برابر تابلوی رنگارنگ «ورود به دنیای بازیگری» بی‌دفاع است.

ازسوی دیگر، بسیاری از بازیگران به‌ظاهر سرشناس، با حضور صوری یا نامشان در تبلیغات این آموزشگاه‌ها، عملاً در این چرخه فریب شریک می‌شوند. آنان با تبدیل سرمایه‌نماین خود به ابزار تبلیغاتی، به تداوم این وضع کمک می‌کنند. این همان جایی است که اخلاق حرفه‌ای به حراج گذاشته می‌شود.

در چنین شرایطی، رسانه‌ها وظیفه‌ای جدی دارند. باید پرده از واقعیت این بازار کاذب برداشت و با گزارش‌های میدانی، نام آموزشگاه‌هایی که با دروغ و تبلیغات جعلی فعالیت می‌کنند را افشا کرد. مسئولان فرهنگی هم نمی‌توانند با توجهیات اداری از کثران معضل بگذرند. نهادهای متولی اگر امروز به فکر سامان‌دهی این حوزه نباشند، فردا با سلسلی سر‌خورده روبه‌رو خواهیم بود که اعتماد خود را به آموزش، هنر و حتی صداقت از دست داده است. فرهنگ‌سازی دراین‌زمینه از آموزش در مدارس و رسانه‌ها باید آغاز شود. جوانان باید بدانند که بازیگری حرفه‌ای، راهی طولانی و مبتنی بر تمرین، مطالعه و تجربه است، نه دوره‌ای چند هفته‌ای و پرزرق‌وبرق. باید ییاد بگیرند که شهرت، نتیجه کیفیت است؛ نه کلاس خصوصی با نام‌های بزرگ.

این روزها آموزشگاه‌های بازیگری مثل قارچ در شهر رشد کرده‌اند، اما بوی فریب از بسیاری‌شان به مشام می‌رسد. جوانانی که روزی با امید وارد این کلاس‌ها می‌شوند، گاه تا سال‌ها پس از آن، زخمی از شکست و تحقیر بر دل دارند. پیش از آنکه این تجارت به‌ظاهر هنری بر پیکر هنر بیشتر زخم‌زیند، باید مرور کرد؛ چه شد که رویای هنر، در چنبره بازار، به کابوس کلاهبرداری بدل شد؟